

عقلاء پنداری غرب زده‌ها و تحریف اندیشه امام خمینی (ره)

امین عظیمی^۱

چکیده

تحریف محکّمات اندیشه امام خمینی یکی از کارویژه‌های جریان‌های مختلف سیاسی و فکری است. یکی از خطوط اصلی تحریف امام (ره) که مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به آن دامن زده، تحریف نظریه مترقیانه امام در «بنای عقلاء» است که از این رهگذر اندیشه فقهی - سیاسی امام، تبدیل به ماشین امضایی برای قوانین غربی می‌شود و سیاست‌مداران غربی جزو عقلاء قرار می‌گیرند. مقاله حاضر با نقد گفته‌های برخی افراد در این زمینه، روشن می‌کند که امام (ره) به هیچ وجه غرب‌گرایان را جزو عقلاء محسوب نمی‌کنند و اندیشه‌های وارداتی را عقلایی نمی‌پندارند.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم



اندیشه، سیره، زندگی و عملکرد امام خمینی در دوران‌های مختلف آماج تحریف قرار گرفته است؛ چه در گذشته و چه در دوران ماجریان تحریف امام فعال است تا تصویر دیگری از ایشان را برای جامعه به نمایش بگذارد. قدرت‌های سیاسی آلوده هر کدام به نحوی به دنبال مخدوش کردن چهره و سیره امام خمینی هستند تا از طریق آن به اهداف سیاسی، فرهنگی و... خود برسند. یکی از خطوط مهم تحریف امام، تحریف اندیشه امام خمینی است. نقطه ثقل این تحریفات بر مدار تغییر دادن محکامات اندیشه ایشان است. محکاماتی که سال‌هاست مردم و خواص انقلابی با تکیه بر آنها توانستند در برابر مشکلات داخلی و دشمنی جنایت کاران خارجی بایستند و پیشرفت کنند.

یکی از خطوط برجسته تحریف امام، لیبرال وانمود کردن اندیشه ایشان است. چنانکه رهبر معظم انقلاب در این باره چنین هشدار می‌دهند:

امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می‌کنند؛ این، هم به شدت غلط و خلاف واقع است.^۱

امامی که همیشه رو در روی اندیشه‌های لیبرالی می‌ایستاد و از اثرپذیری از آنها به برخی از انقلابیون با سابقه مثل آقای منتظری در منشور روحانیت چنین هشدار می‌دهند:

... نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند.^۲

اینکه امام (ره) از اندیشه‌های غربی و لیبرالی دوری می‌گزیدند هیچ وقت به این معنا نبود که عنصر عقلای عالم و یافته‌های عقل بشری را کنار بگذارند. امام خمینی (ره) از پیشتازان احیای تأثیر گذاری بنای عقلاء در مسائل اصولی و فقهی هستند و در بررسی ابعاد آن در کتب اصولی‌شان معتقدند بنای عقلاء، سیره رفتاری‌ای است که همگانی، همه‌زمانی و همه‌مکانی است.^۳ با وجود این آیا این امر بدان معناست که در اندیشه امام (ره) - به اصطلاح - عقلای غربی جایگاه ویژه‌ای داشتند؟

1. <https://khl.ink/f/29914>

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

۳. رک: امین عظیمی، رساله «بررسی تطبیقی تعریف و حجیت عرف و سیره عقلاء در دیدگاه امام خمینی (ره) و کتاب الفائق»، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان قم، ۱۴۰۰.

مرجعیت‌زدایی علمی از اندیشه‌های غربی

امام خمینی در پی از بین بردن مرجعیت علمی-سیاسی غرب و به دنبال بنا نهادن معادلات جدیدی برای قانون‌گذاری و اداره جامعه بود که هیچ وابستگی فکری-فرهنگی به دنیای آلوده غربی نداشته باشد. همین نگاه امام باعث شد که مجله تایم امریکا ایشان را مرد سال معرفی نماید و بی‌اعتبار بودن توصیه‌های بین‌المللی در اندیشه امام را این‌گونه منتشر کند:

... [مصاحبه‌کننده:] شما زندگی خیلی منزوی داشتید، شما اقتصاد جدید و حقوق و روابط بین‌المللی را مطالعه نکرده‌اید. تحصیل شما مربوط به علوم الهی است، شما در سیاست و گرفتن و دادن یک زندگی اجتماعی درگیر نبوده‌اید. آیا این در ذهن شما این شک را به وجود نمی‌آورد که ممکن است عواملی در این معادله باشد که شما نمی‌توانید درک کنید؟

[امام خمینی:] ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود چهارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم، حال شما اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراهای بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه‌داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هر کسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند. آری با ضوابط شما من هیچ نمی‌دانم و بهتر است که ندانم...^۱

امریکایی‌ها نگاه استقلال‌طلبانه امام نسبت به افکار غربی و سازمان‌های بین‌المللی را صرفاً در رسانه‌های خود منتشر نمی‌کردند بلکه از عمق وجود به نفوذناپذیری امام در برابر القائاتی به نام علم، دانش و توصیه پی برده بودند و می‌دانستند با ژست‌ها و توصیه‌های به ظاهر عاقلانه نمی‌توان فکری را به ایشان تحمیل کرد. چنانکه مأموران زبده سازمان‌های جاسوسی امریکا درباره امام چنین قضاوت می‌کنند:

روش اتخاذ تصمیم [امام] خمینی آرام و سنجیده است. او با صبر بی‌پایان همه نقطه‌نظرها را گوش می‌کند و به هنگام اخذ تصمیم، او تنها و بدون واسطه اقدام می‌کند. وقتی وی تصمیمی می‌گیرد قاطعانه از آن

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰.





دفاع می‌کند... در جلسات انفرادی با غربی‌ها، یا آنها که تمایلی به غرب دارند، خمینی بسیار بی‌تفاوت است و عکس‌العملی در مقابل مطالب مورد بحث ندارد. اگر مطلبی می‌خواهد بگوید به روش معمول خود قاطعانه بیان می‌دارد. مذاکره به روش معمول (بده‌بستان) با خمینی مفهومی ندارد. در او جایی برای سازش و مصالحه وجود ندارد. احتمال اینکه کسی بتواند عقاید خمینی را به مقدار قابل توجهی تعدیل کند بسیار کم است، زیرا او به این گونه افراد با دید تحقیر و ظن می‌نگرد.^۱

حضرت امام استقلال حقیقی کشور را وابسته به استقلال فکری از غرب معرفی می‌کنند و در گفتاری دیگر، منشأ همه وابستگی‌های دیگر را از همین سرچشمه می‌دانند:

... همان‌طور که کراراً تذکر داده‌ام بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرند. و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است]. و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانشسراها، و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شست و شو دهید. و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید...^۲

هشدار امام درباره جریان عقلاءسازی از غربیان

امام نه تنها عقلای غرب بلکه معتقد بودند مغزهای غرب زده داخلی را نیز نباید معیار برای هیچ تصمیمی قرار داد و در واقع آنها را از عقلاء ندانسته‌اند و تأکید دارند که عقلاء‌پنداری آنها به جهت امپراطوری تبلیغاتی آنهاست که باید زدوده شود:

۱. اسناد لانه جاسوسی امریکا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۹.

... ما را این طور درست کرده بودند، با آن تبلیغات دامنه‌دارشان به ما این طور حالی کرده بودند که شما باید هر چه که می‌خواهید، هر تمدنی که می‌خواهید، هر فرهنگی می‌خواهید، از غرب باید برای شما بیاید، خودتان ندارید. [با] این افکار پوسیده‌ای که اینها تزریق کردند به وسیله قلم‌های فاسد و به وسیله گفتارهای منحرف‌کننده، ما را همچو بار آوردند و جوان‌های ما را همچو بار آوردند که آن که زهر مهلک برای جامعه ما بود خیال کند دواى دردش است! الان هم همین فاسدها، بعضی از همین فاسدها، در جامعه ما هستند، در همه جا هستند، در دانشگاه هم هست، در همه جای مملکت ما هست. و توقع این را نداشته باشید که یک درد پنجاه و چند ساله به چند روز و چند ساعت و چند وقت و چند ماه و چند سال معالجه بشود... اینها با تبلیغات خودشان ما را همچو به غرب برگرداندند و غرب زده کردند که همه چیز خودمان، همه مفاخر خودمان، یادمان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قائل نیستیم. همین چند روز پیش از این یک آقای - که من نمی‌شناسمش - آمد اینجا نشست همچو تند تند هی شروع کرد گفتن که آقا ما محتاجیم به آنها، ما محتاجیم به آنها، ما از آنها همه چیز باید بگیریم! من اصلاً جوابش را ندادم. یک همچو مغزهایی است! ما تا نفهمیم که محتاج به آنها نیستیم، نفهمیم که آنها محتاج به ما هستند نه ما محتاج به آنها، نمی‌توانیم اصلاح بشویم. شرق همه چیز دارد. فرهنگش از غرب بهتر است، فرهنگ غرب از شرق رفته است، همه چیزش از غرب بهتر است، فقط تهی‌اش کردند از خودش. فقط تبلیغات دامنه‌داری که به وسیله نوکرهای اینها - که الان هم موجودند در مملکت ما، الان هم با صورت‌های مختلف در مملکت ما موجودند، و مع الأسف اشخاصی دامن می‌زنند به اینکه اینها را بزرگ کنند ما را از خودمان تهی کردند به طوری که ما خیال می‌کنیم هر چیز که هست از آنجاست. ما تا خودمان را پیدا نکنیم، تا شرق خودش را پیدا نکند، تا این گمشده پیدا نشود، نمی‌توانیم سر پای خودمان بایستیم. باید از مغزهای ما اسم «غرب» زدوده بشود... شرق باید در غرب را ببندد؛ در غرب را به روی خودش ببندد. تا غرب راه به اینجا دارد، شما به استقلال خودتان نمی‌رسید. و تا این غرب زده‌هایی که در همه جا موجودند از این مملکت نروند یا اصلاح نشوند، شما به استقلال





نخواهید رسید. اینها نمی گذارند، ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم.^۱

امام هیچ ارزشی برای اندیشه‌ها و توصیه‌های غربی قائل نبودند و حتی به دیده تحقیر به آنها می‌نگریستند و اگر انگاره‌های متأثر از غرب در کسی می‌دیدند به آن بدبین می‌شدند. در این میان امام می‌دیدند برخی از جمله قائم‌مقام رهبری این افراد را عقلای قوم می‌پنداشتند و توصیه‌ها و القائات لیبرال‌ها را در تریبون‌های رسمی و برجسته جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند و می‌گویند:

... نیروی عاقل و فعال را ناراضی و منزوی و از صحنه کنار زدیم... اینها راه عاقلانه‌تری داشته و ما سرمان را پایین انداختیم و گفتیم همین است که ما می‌گوییم، بعد هم فهمیدیم که اشتباه کردیم... افراد عاقل تذکر دادند و در روزنامه‌ها و جراید، اعلامیه‌ها، از داخل و خارج راهنمایی و وساطت می‌کردند، اما ما قبول نمی‌کردیم. حالت لجبازی و گوش نکردن به نصیحت‌ها، خودمحموری‌ها، کنار زدن نیروهای فعال و منزوی کردن افراد دلسوز به ضرر انقلاب بوده است.^۲

از همین رو هشدار صریحی به طلاب و در واقع همه نخبگان و خواص کشور می‌دهند که عقلاء پنداری آنها برای برگشت به مناصب سیاسی است:

... من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی‌نماها و مقدس‌مآب‌ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود...^۳

امام با آوردن این نکته کلیدی در منشور روحانیت از تفسیر تحریف آمیز از «عقلاء» و «عنصر زمان و مکان» جلوگیری می‌کنند و تأکید دارند که لیبرال‌ها و غربی‌ها معیار شما برای تشخیص امور عقلایی و اقتضائات زمان و مکان نباشد.

۱. همان، ص ۳۹۱-۳۸۹.

۲. کیهان، ش ۱۳۵۴۳، ۲۳ بهمن ۱۳۶۷، ص ۲.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

وارونه‌گویی تحریف‌گران درباره اندیشه امام خمینی (ره) در مسئله عقلاء

متأسفانه کسانی که عنوان «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی» را دارند روی محکومات امام خمینی (ره) در این مسئله پرده می‌کشند و اندیشه‌های اصولی و فقهی امام را نه تنها تحریف می‌کنند، بلکه معکوس به نمایش می‌گذارند. برخی از افراد مرتبط با این مؤسسه و دیگر گویندگانی هستند که در مسائل مختلفی از جریان‌های فکری سیاسی غربی، عقلاءسازی می‌کنند و از این طریق نظریه امام خمینی (ره) در معتبر بودن بنای عقلاء را امضاءکننده توصیه‌ها و قوانین آنها جا می‌زنند که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. عقلای فمینیسم و فتوای امام در تأیید حرمت ازدواج دختران!

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) که پافشاری زیادی برای برجسته کردن اندیشه امام در رابطه با سیره‌های عقلایی دارد با دعوت از فردی (محمدعلی ایازی) که از شاگردان رادیکال آقای منتظری است به تفسیر تحریف‌آمیزی از نگاه امام خمینی به مبحث «عقلاء» دست می‌زند و تصویری کاملاً لیبرال از اندیشه و فقه امام خمینی به مخاطب القاء می‌کند:

در بحث انوار الهدایه خودشان [امام خمینی] در حاشیه بر الکفایه، از این نکته استفاده می‌کنند که سیره عقلاء امر اعتبار ذاتی دارد. اگر عقلاء امروز در جهان می‌گویند حقوق بشر، این موضوع حجیت دارد و نیازی نیست ببینیم که آیا این مقوله در زمان پیامبر و ائمه بوده است یا خیر... یکی از بحث‌هایی که درباره آن چالش وجود دارد، کودک همسری است... ۱۳ سالگی و حتی ۱۵ سالگی نیز سن مناسبی برای ازدواج نیست. در حالی که ممکن است در گذشته چنین بوده باشد. امروز رشد دختر در این سنین اتفاق نمی‌افتد. عقلاء امروز سن رشد را تعیین کرده‌اند. از میان ۱۱۰ کشور، ۸۰ کشور گفته‌اند دختران باید از ۱۸ سالگی ازدواج کنند و قبل از آن سن اگر کسی زمینه و آمادگی ازدواج را دارد، باید ثابت شود. وگرنه امروز ازدواج کردن یک دختر ۱۳ ساله ظلم است.^۱

گوینده که دیرزمانی پروژه تئوری‌سازی برای دولت اعتدال و نگاه‌های فمینیستی معاونت زنان حسن روحانی را پیش می‌برد و برای شعارهایی همچون «منوعیت کودک همسری» فقهی‌سازی می‌کرد، با تحریف فتوای امام خمینی در رابطه با سن ازدواج دختران و اندیشه متعالی ایشان درباره ازدواج جوانان خدمتی دیگر به لیبرال‌ها برای رسیدن به مناصب سیاسی ارایه می‌دهد و تأسف آن است که این مطالب تحریف‌آمیز از رسانه‌های منتسب به بیت امام

1. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n155518>





امام نه تنها عقلای غرب بلکه معتقد بودند مغزهای غرب زده داخلی را نیز نباید معیار برای هیچ تصمیمی قرار داد و در واقع آنها را از عقلاء ندانسته‌اند و تأکید دارند که عقلاء پنداری آنها به جهت امپراطوری تبلیغاتی آنهاست که باید زدوده شود

خمینی بیرون می‌آید. فارغ از اینکه ذاتی بودن فهم عقلایی در اندیشه امام مسئله‌ای مورد مناقشه در بین محققان است و همچنین تعیین سن رشد برای دختران نیز مورد اختلاف بسیاری از فقها است باید پرسید که عقلاء پنداری تصمیمات سیاست‌زده کشورهای جهان چه ملاکی برای تعیین عقلاء است؟ و بدتر از آن چگونه می‌شود این عقلاء پنداری را به امام نسبت داد؟ آیا امام نظر هشتاد کشور وابسته به فکر و فرهنگ غربی را برای تعیین حکم فقهی مدنظر قرار می‌دهند؟ بر این منوال باید فتوای جواز ازدواج هم‌جنس‌گراها را نیز اندکی بعد به امام نسبت بدیم چرا که تعداد کشورهای موافق با این ازدواج منحوس در حال افزایش است. تأسف از این تحریف‌گری‌های نظارت‌نشده وقتی بیشتر می‌شود که امام علاوه بر اینکه به جواز ازدواج زیر ۱۸ سال فتوا داده‌اند،^۱ ده‌ها سال پیش نظر قطعی خود را در برابر این اندیشه فاسد غربی نسبت به سن ازدواج جوانان اعلام کردند و در کتاب *کشف‌اسرار* خود درباره این فاجعه چنین انتقاد می‌کنند:

یک نفر جوان را در موقع غرور شهوت بر خلاف سنت طبیعت که از سن بزرگ الهی است برای تعیین بلوغ سه سال از ازدواج مشروع محروم کنند جز کمک‌کاری به شیوع فحشاء و فساد اخلاق توان بر آن نامی گذاشت؟ بلوغ شرعی مطابق بلوغ طبیعی است که سنت تغییرناپذیر است و حکم برخلاف آن راه انداختن فحشاء و خلاف عفت و کمک‌کاری به امراض گوناگون تناسلی است که نسل پاک جوانان ما را برمی‌اندازد.^۲

البته این بدین معنا نیست که تعیین قانونی سن ازدواج در دولت اسلامی و تحت اشراف ولی فقیه، مشروع نیست اما ارجاع به قوانین به ظاهر بین‌المللی و عقلایی پنداشتن آنها که بدون توجه به بلوغ طبیعی و شرعی و فسادهای مترتب بر آن است، اعتبار علمی ندارد و نمی‌توان آنها را به امام (ره) نسبت داد.

۲. گروه مالی FATF از عقلای مورد تأیید امام!

سوءاستفاده از مبنای مترقی امام خمینی (ره) در مسئله سیره عقلاء آنقدر شیوع پیدا کرده

۱. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲. امام خمینی، *کشف‌اسرار*، چاپخانه اسلامی، بی‌تا، ص ۲۹۴.

است که هر ساز و کار استعماری اقتصادی و مالی با این طریق مشروعیت‌سازی شده و به امام نسبت داده می‌شود. چنانکه یکی از همکاران مؤسسه تنظیم و نشر از این راه برای FATF مشروعیت‌سازی می‌کند و آن را به امام نسبت می‌دهد. فاضل میبیدی از هواداران منتظری که در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) جای پای محکمی دارد می‌گوید:

یعنی عمده کار کارشناسی است؛ مثلاً قانون FATF قانونی است که عقلای دنیا کنار هم نشستند و گفتند پول‌هایی که بخواهد خارج از مدار سیستم بانکی و اقتصادی مانند قاچاق، اختلاس و یا اشکال پول‌های عجیب و غریبی که مطرح می‌شود، مشروعیت ندارد و باید جلوی آن گرفته شود. آنها یک قانون گذاشته‌اند و گفته‌اند که پول اگر بخواهد در مدار بانک جریان بیابد باید بر اساس یک مسیر تعریف شده حرکت کند تا مشروعیت داشته باشد و حرف بدی هم نیست... حضرت امام (ره) در برخی از کتاب‌هایشان آورده‌اند که در بحث معاملات، سیاسیات و اجتماعیات باید به سمت سیره عقلا رفت و نیازی به امضای شارع نیست.^۱

سؤال این است که با چه مستندی سیاست‌مداران گروه ویژه مالی FATF جزو عقلاء تعریف شدند و به چه دلیلی امام خمینی (ره) چنین گروه سیاسی را باید عقلاء بیندارد؟ در کدام یک از کتب علمی امام توصیه‌های سیاست‌زده غربی‌ها ملاک عمل قرار گرفته است؟ امامی که برجسته‌ترین سیاست‌مداران غربی و دستگاه استکبار را عقلاء نمی‌داند چگونه می‌شود زیردستان و گروه‌های تحت نفوذ آنها را جزو عقلاء قرار دهد؟

... ما برنامه داریم؛ ما همین طوری ننشسته‌ایم اینجا که آن نه، تمام بشود؛ ما برنامه داریم، یک برنامه عقلایی دنیا پسند. البته آقای کارتر نمی‌پسندند این را! اما دنیا می‌پسندد. دنیای امریکا هم نمی‌پسندد این را. آنهایی که می‌خواهند مملکت ما را غارت کنند آنها نمی‌پسندند؛ اما آنهایی که این طور [منافع] ندارند [می‌پسندند]...^۲

۳. اعلامیه حقوق بشر حاصل اندیشه عقلاء در نگاه امام!

تحریف اندیشه امام به اینجا ختم نمی‌شود و از مبنای مترقیانه امام در مبحث «عقلاء» معممین سکولار چنان استفاده می‌کنند که اعلامیه حقوق بشر مبنای فتوای فقهی امام خمینی قرار می‌گیرد! سید مصطفی محقق داماد که با حضور در شورای عالی کمیسیون ملی یونسکو

1. <http://ijtihadnet.ir>

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲۸.





امام قوه عاقله عقلای امروز
را که از وحی منقطع هستند
دچار ضعف کاستی اساسی
می‌دانند و پندارهای آنها را
بسیار سطح پایین‌تر از فقه
شیعی عنوان می‌کنند

از کسانی است که سند ننگین ۲۰۳۰ از زیر قبای وی
بیرون آمده، اعلامیه حقوق بشر را معیار عقلایی بودن
امور فرض می‌کند و فتوای امام خمینی را برای همین تفکر
مثال می‌زند:

در دلیل حجیت خبر واحد، به بنای عقلا اشاره می‌شود.

سؤال من این است که آیا مگر عقلاء فقط ما هستیم؟ آیا امروز در دنیا
عقلای دیگری وجود ندارند؟ لذا باید مراقب باشیم فتوایی ندهیم که با
حقوق یک عده زیادی از بشر درگیر شود و ما را در دنیا ضد حقوق بشر
بنامند... فتوای امام خمینی متن عبارتشان در قضیه حیل ربا این بود که حیل
ربا قابل عمل نیست. دلیلشان هم بحث ظلم است؛ لذا هر چیزی که ظلم
باشد، جایز نیست و حیله‌های ربا از مصادیق ظلم است.^۱

باید در نظر داشت که امام قوه عاقله عقلای امروز را که از وحی منقطع هستند دچار ضعف
کاستی اساسی می‌دانند و پندارهای آنها را بسیار سطح پایین‌تر از فقه شیعی عنوان می‌کنند.
امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید:

... الان که شما یک همچو فقه غنی‌ای می‌بینید که فقه شیعه غنی‌ترین
فقهی است که در دنیا هست، غنی. قانونی که با زحمت‌های علمای شیعه
توضیح و تفریع شده است، غنی‌ترین فقه است، غنی‌ترین قوانین است در
دنیا. قانونی در دنیا به این غنا نیست قوانین دیگر، آنهایی که آسمانی است
البته غنی بوده، آنها دیگر به ما نرسیده؛ آنهایی که زمینی است و اهل زمین
درست کرده‌اند، اینها به اندازه همان ادراکات ضعیفی که اگر چنانچه مغز
انسان را - در روایت است - یک گنجشک بخورد سیر نمی‌شود، با این مغزها
درست شده است، آنهایی که مغزهایشان درست کار می‌کند، آنهایی که
درست کار نمی‌کند که اطلاع ندارند. همه اینهایی که اینها درست کرده‌اند
ناقص است. در هر جایی که این قوانین درست شده است یک قوانین ناقصی
است؛ آن هم برای یک محیط خاصی، آن هم برای یک وضع خاصی، برای -
مثلاً- تمشیت امور یک مملکتی، برای سیاست بین مملکت و مملکت دیگر؛
اما دیگر، قوانین دیگر ندارد. آنی که دارد اسلام است. و در اسلام آن فقهی
که غنی‌ترین فقه‌هاست، فقه شیعه است. همچو فقهی در دنیا نیست - نه در

1. <https://mobahesat.ir/15893>

بین مسلمین هست، عَلی کُتْرَ تَهِم، و نه در غیر، بین غیر مسلمین. و این با زحمات طاقت فرسا از علمای شیعه درست شده است...^۱

با وجود این که امام (ره) قوه عاقله عقلای غربی را دچار اشکال اساسی می‌داند چگونه از نگاه ایشان عقلای غرب زده امروز می‌توانند مقتضیات زمان و مکان را برای فقیه شیعه تعیین کنند و توصیه‌ها و سیره‌های تمدن و سبک زندگی غربی ملاک عمل در فقه شیعه باشد؟ در آخر باید این کلام تاریخی امام خمینی را یادآوری کنیم که می‌فرماید:

... ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شُرق به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. اینان بر پادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند و سرسپردگانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند، و هم اکنون با تمام ورشکستگی‌ها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی بر نمی‌دارند...^۲

نتیجه

امام خمینی هیچ‌گاه سیاست‌ها و توصیه‌های غربی را حاصل اندیشه عقلاء نمی‌دانستند و تفکرات وارداتی غربی را معیار تصمیم‌گیری و نظریه‌پردازی قرار نمی‌دادند. از طرف دیگر نسبت به افرادی که متأثر از اندیشه‌های غربی شده بودند بسیار بدبین بوده و نسبت به تأثیرگذاری و منصب‌جویی آنها به جامعه اسلامی هشدار می‌دادند که باید افکار و حضور آنها در مراکز تصمیم‌گیری و فکری زدوده شود.

غرب‌گرایان داخلی که برخی از آنها خود را به امام (ره) منتسب می‌کنند تلاش کرده‌اند که با تحریف نظریه مترقیانه امام (ره) در مسئله بنای عقلاء، اندیشه ایشان را تبدیل به ماشین امضایی برای توصیه‌ها و قوانین بین‌المللی و غربی کنند و با عقلاءسازی از آنها و سوءاستفاده از اندیشه امام، معیار تصمیم‌گیری‌ها را تغییر دهند. اما بر اساس نگاه امام (ره) به سیاستمداران غربی و اندیشه‌های وارداتی، نه توصیه‌های فمینیستی درباره ازدواج دختران، نه گروه مالی ویژه FATF و نه اعلامیه حقوق بشر جزو یافته‌ها و پندارهای عقلاء عالم نیستند.

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۹-۲۳۸.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۴۴۶-۴۴۷.



